تضمین شعر حافظ

جانبازی، هوشنگ

آن‏چه زیر عنوان:«نقش تضمین،استقبال و تخمیس»از شعر حافظ در قلمرو اشعار شعرا در پی می‏آید،جایش تاکنون در کتب،سخنرانی‏ها و سایر نوشته‏ها و تقریرات در مورد حافظ به سختی خالی مانده است و تاکنون هیچ‏گونه تتبع و پژوهشی جداگانه در این راستا به وسیله‏ی‏ علمداران و قلمداران و حافظ شناسان و حافظ پژوهان صورت نگرفته‏ اس.

شاید این مختصر فتح بابی باشد برای جست‏وجوگران و محققین‏ حافظ شناس اهل قلم در اشعار حافظ که هنوز پس از گذشت چند قرن هر کدام از ابیات و مصرع‏های شعری‏اش دارای رمز و رازهای فراوان بوده و هر از چندگاه گفته‏ها و ناگفته و تفسیرهای نویی در غنا و ابهامات شعری‏ و برداشت‏هایی از اشعار وی به وسیله‏ی دانش پژوهان حافظ شناسان از او به چاپ می‏رسد.

زیرا حافظ شاعری‏ست برای تمام فصول و قرن‏ها.

لطافت و انسجام در مضمون و کلمات،استحکام ساختار شعری و تنوع مضمون‏ها و سایر ویژگی‏های منحصر به فرد شعر حافظ نه تنها سال‏ها بلکه قرن‏هاست که شعرای پارسی‏زبان بسیاری از جمله‏ متقدمین،متاخرین و معاصرین شعر امروز را به استقبال و تضمین برخی‏ از ابیات و مصرع‏های شعر حافظ کشانده است.زیرا شهرت حافظ عالم‏گیر است.حتا در این وادی بسیاری از شعرا و غزل‏سرایان‏ پارسی‏گوی هندی،افغانی،تاجیکستانی و...از این گونه صنایع شعری با استعانت از اشعار و سروده‏های حافظ استفاده برده‏اند و از شعرای نوپرداز ایران مانند:هـ.ا.سایه،حسین منزوی،فریدون مشیری،نوذر پرنگ و استاد شهریار می‏توان نام برد.

چشم بر راه تو داریم و شد ایامی چند وقت آن شد که نهی جانب ما گامی چند تا کسی میل دلم را به رخت پی ببرد دولت وصل تو خواهم به دلارامی چند ما خراباتی و رندیم تو با ما منشین‏ حیف باشد که نشینی تو به بدنامی چند «کامران»این غزل نو به «همایون»بفرست‏ باشد ارسال کند سوی تو انعامی چند

این‏گونه تضمین‏ها،استقبال‏ها و تخمیس‏ها از شعر حافظ در اشعار شعرای دیگر تحقیق و تتبع در حد یک کتاب جامع را طلب می‏کند.

همان‏گونه که در کتاب حافظ در هر کدام از مصراع‏های اشعار وی، اشارات و استعاره‏ها و نمادهای شعری ایشان می‏بینیم،حافظ شاعری‏ست‏ آگاه از زمانه‏و رویدادهای خویش و در برخی موارد فراتر از زمان خویش. شاعر رندی که در هزار توی اشعارش گاه خوانندگان و پژوهشگران را دچار سرگشتگی لذت‏بخش می‏کند.

در دیوان حافظ اشعاری به مناسبت‏های سیاسی،عشقی،مذهبی، ادبیات و مقام‏های موسیقایی،اعیاد،جشن‏های مذهبی و غیرمذهبی، عاشورایی از پیامبر،ماه رمضان،محرم و...به فراوانی می‏توان یافت.این‏ کار بزرگ و سترگ یعنی تفکیک و دسته‏بندی شعرایی که به استقبال و یا تضمین و تخمیس شعر حافظ رفته‏اند با ارائه‏ی نمونه‏های آن با توجه‏ به موضوعات و مناسبت‏های شعری در حد رخصت روزگار،هر کدام‏ تحقیق و تفحصی فرهنگی بزرگ را می‏طلبد که باید توسط حافظ شناسان و صاحبان گران‏سنگ قلم انجام گیرد

مرا مر شادی عالم به یک دم غم نمی‏ارزد به نزدم عمر صد ساله به یک ماتم نمی‏ارزد غنیمت دان جوانی را که ایام خودش است اما دمی با عالم پیری و پشت خم نمی‏ارزد

این‏بار ناخدا عباس(ناخد)در(بوشهر)ابتکاری به خرج داده است و در تضمین و استقبال کار نو و بدیعی را بنیاد نهاده است.وی قریحه‏یی‏ سرشار در این کار داشت و ضمن آن که آهنگ‏هایی تازه از روی اشعار خود بر آن می‏نهاد.نوحه‏ی زیر بیانگر ذوق ادبی اوست.

می‏گویند او اولین نوحه‏خوان در بوشهر بود(فاعتبروا یا اولی الابصار) ویژگی‏های شعر او که اینک در قید حیات نیست،حسن ختامی برای چاپ‏ این مطلب است.ویژگی‏های تضمین وی این است که تمام اشعار مدخل‏ دیوان حافظ را که معمولا در هر دیوانی صفحات شعر حافظ چاپ شده‏ است،به سیاق زیر تضمین و یا استقبال کرده که در خور توجه است.

لبالب گشته از خونابه‏ی غم ساغر دل‏ها2 الا یا ایها الساقی ادرکاسا و ناولها به گرداب بلای کربلا زینب ز غم می‏گفت‏ کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‏ها ز پیچ سنبل مشکین گیسوی علی اکبر ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاده در دل‏ها میان خاک و خون ای جان خواهر خفته‏یی تا کی‏ جرس فریاد می‏دارد که بربندید محمل‏ها ز خون،رنگین محاسن کرده‏یی از حنجر اصغر که سالک بی‏خبر نبود ز راه و رسم منزل‏ها عروس بی‏نوا با صد نوا می‏گفت با قاسم‏ که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‏ها دمادم شهربانو سر به زانوا می‏زد و می‏گفت‏ متی ما تلقی من تهوی دع الدنیا و اهملها غم قتل حسین ای دل بود هر روزه دردافزون‏ نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفل‏ها بنال ای ناخدا اندر عزای‏زاده‏ی زهرا که تا روز قیامت سوخت باید جمله‏ی دل‏ها3

پی‏نوشت‏ها

(1)-مرحوم حسین منزوی،روزنامه‏ی یومیه همشهری.

(2)-این مصرع بدین گونه خوانده می‏شود:لبالب گشته از خونابه‏ی غم«باده»دل‏ها.

(3)-مقام موسیقایی،سال پنجم،دوره‏ی تازه،شماره‏ی 4،ص 5.